

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

اسفند ماه ۱۳۸۹ مارس ۲۰۱۱

شماره ۵۶

toufan@toufan.org www.toufan.org

عربده کشی‌های رژیم نشانه وحشت او از مردم است ص.۲

توفان بر فراز کشورهای عربی

و ریاکاری امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها و عمال ایرانی آنها ص.۳

مبارک فرار کرد، اما نظام نامبارکش هنوز پابرجاست ص.۵



جان منصور اسالو در خطر است ص.۶



بازهم پیرامون انفراد منشی و انضباط حزبی ص.۷

زادروز یک حماسه

سند جنایت رژیم پهلوی ص.۹

سید علی داوطلبانه و با میل خود نمی رود ص.۱۰

طنز تاریخ، دو انقلاب در ۲۲ بهمن، انقلاب ایران و انقلاب مصر ص.۱۰

دیگ به دیگ می‌گه....سیاه است! ص.۱۵

هشت مارس روز جهانی زن گرامی باد!

عربده کشی‌های رژیم نشانه وحشت او از مردم است

توفانی که در کشورهای عربی وزیدن گرفت و ارکان رژیم‌های فاسد و دیکتاتوری تونس، مصر، لیبی، یمن، مراکش، اردن و بحرین را به لرزه در آورد، جمهوری آدمخوار اسلامی را نیز بی نصیب نگذاشته است. مردم قهرمان ایران با الهام از این مبارزات و برای ابراز همبستگی با خلق‌های تونس و مصر و سایر خلق‌های به پاخاسته عرب در ۲۵ بهمن به میدان آمدند و با فریاد مرگ بر سید علی خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور و دهها شعار ضد حکومتی خشم و نفرت خویش را نسبت به رژیم مافیائی و جنایت پیشه جمهوری اسلامی ابراز داشتند. اعتراضات با شکوه مردم که در شماری از شهرهای ایران انجام گرفت، رژیم را به جنون واداشت و او را دچار سرگیجه و سراسیمگی کرد. این اعتراضات جسورانه بعد از ۱۸ ماه از تظاهرات ۲۲ خرداد و سرکوب خونین آن و عربده کشی‌های "پیروزمندان"ی رژیم، همراه با اعدام‌های پی در پی و نفرت انگیز، بازداشت‌های خودسرانه دانشجویان و کارگران و تشدید سرکوب مخالفان ... نشان از اشتیاق و اراده مردم ایران برای برانداختن نظام فاسد و دروغگو و مافیائی جمهوری اسلامی است که این بار مصمم تر از گذشته به میدان آمد و افسانه ثبات و قدر قدرتی رژیم را درهم شکاند. اعتراضات مردم جان به لب رسیده ایران این بار اما همسو با موج عظیم اعتراضات عمومی و ضد استبدادی و ضد ارتجاعی کشورهای عربی انجام گرفت و رژیم را در عرصه داخلی و بین‌المللی رسوا تر از هر زمان ساخت. رژیم خامنه‌ای که با پرچم دروغین دفاع از خلق مصر و تونس به میدان آمد در مقابل مردم ایران کاملاً خلع سلاح گردید و با شلیک گلوله و گازشک آور به سوی مردم آزادیخواه ایران و قتل دوجوان مبارز، محمد مختاری و صانع ژاله، بار دیگر نشان داد که چنین رژیمی فقط با تظاهرات خیابانی آنها در این ابعاد و در کادر سیاست ممانعت جویانه و عدم توسل به قهر عقب نخواهد نشست. رژیم درنده و سفاک جمهوری اسلامی برای حفظ بقای انگلی‌اش از هیچ جنایت و قتل و ریاکاری دریغ نخواهد ورزید و فقط با اعدام این رژیم کثیف و ضد بشری است که می‌توان از تکرار این همه فجایع و خونریزی جلوگیری کرد.

رژیم خامنه‌ای از سر استیصال و درماندگی، دو جابناخته روز ۲۵ بهمن، مختاری و صانع ژاله را وقیحانه هوادار نظام تبلیغ نمود که توسط معترضان به قتل رسیده‌اند. رژیم به این بهانه، فشار را بر کروی و موسوی و جناح اصلاح طلب افزود و با گسیل چماقداران و چاقوکشان به خیابان‌ها و حتی درون مجلس و شعار کروی و موسوی اعدام باید کردند و حصر خانگی آنها ضعف و زبونی خود را به نمایش گذاشت. این چنین عربده کشیدن‌ها و دندان نشان دادن‌ها، نشانه قدرت باند حاکم نیست بلکه ناشی از ضعف و درماندگی اوست. رژیم که می‌پنداشت با این فریادها و قمه کشی‌ها دیگر کسی جرئت به میدان آمدن را نخواهد داشت بار دیگر مردم ایران به ویژه پسران و دختران جوان و شجاع ایران، یکشنبه اول اسفند ماه در چندین شهر از جمله در تهران، اصفهان، مشهد، رشت، مهاباد، سنندج، شیراز و تبریز به میدان آمدند ضمن گرامی داشت خاطره محمد مختاری و صانع ژاله قدرت و رزمندگی خویش را به تبهکاران جمهوری اسلامی نشان دادند.

واقعیت این است که نارضایتی در بین مردم هر روز گسترده تر می‌گردد و در هر کوی و برزنی از جنایت و دزدی و فساد نظام اسلامی سخن می‌رود. هر روز خبری از مبارزات جوانان و اعتصاب کارگران به گوش می‌رسد. روزی از شیراز خبر می‌رسد که دانشجویان دختر و پسر دوشادوش هم در حیاط دانشگاه این سنگر آزادی، فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر این دولت مردم فریب را سردادند. روز دیگر خبر از تجمع مادران داغدار در پارک لاله تهران به گوش می‌رسد. روزی از اعتصاب کارگران ایران خودرو لوله سازی اهواز و اعتراضات کارگران هفت تپه و روز دیگر خبر اعتصاب دانشجویان نوشیروان بابل و مشهد و تبریز علم و صنعت و ... گزارش می‌شود. رژیم سرمایه‌داری مافیائی اسلامی از این همه اعتراض و عمومی شدن شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه‌ای" به هراس مرگ افتاده و به همه جا قشون می‌فرستد، برای هر کسی قداره می‌کشد، زبان مردم را می‌برد، دست‌های آنها را می‌بندد، دست به تجاوز جنسی می‌زند، جوانان را در ملاء عام اعدام می‌کند، حتی به یاران نزدیک خود و معتقدین به نظام جمهوری اسلامی نیز رحم نمی‌کند، به جرئت می‌توان گفت که نفرت مردم نسبت به رژیم امنیتی - نظامی احمدی نژاد - خامنه‌ای، بد بینی آنها نسبت به آن چه گفته می‌شود و تبلیغ می‌گردد هیچ گاه به اندازه امروز نبوده است. پیکار قهرمانانه مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی را به سراسیمگی انداخته است و حلقوم وی را می‌فشارد. موج مبارزات مردم ایران این بار هم به خارج از کشور سرایت کرده و عرصه را بر رژیم و مزدوران تنگ کرده است. عربده کشی‌های رژیم و تهدید و ترور مخالفین،

دیگر کارساز نیست و نیروهای مترقی و میهن دوست با عزمی راسخ و همسو با مبارزات مردم ایران به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی می پردازند.

ما گفته ایم که اوضاع ایران آتش زیر خاکستر است و هر لحظه امکان دارد از کوچک ترین جرقه‌ای حریق برخیزد. گفته‌ایم، جنبشی که در پائین در گرفته است در کلیتش جنبش خرد در مقابل جهالت است. این جنبش حتی به علت این طیف عظیم نابسامانی و نارضائی بخشی از طبقات حاکمه را نیز در بر گرفته است. طبیعتاً درج تحول و خواست پیشروی در همه شرکت کنندگان یکسان نیست. هر چه جنبش رادیکال تر شود ترکیب جنبش تغییر می کند. عناصر وابسته به طبقات مرفه و بالای شهری به خانه‌های خویش برمی گردند. ولی خواست‌های مردم، خواست‌های به حقی است و باید از آنها حمایت کرد و به مردم، با حوصله نشان داد که تحقق این خواست‌های انسانی، مدنی، سیاسی تنها بر ویرانه‌های رژیم جمهوری اسلامی امکان پذیر است. هرگونه مبارزه‌ای در چارچوب بقاء رژیم جمهوری اسلامی تکرار وضعیت کنونی است و فرجامی جز شکست نخواهد داشت. مبارزات مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی بسیار امید بخش است. باید امید داشت که این مبارزات به مرحله نوبنی، مرحله به میدان آمدن کارگران و اعتصابات عمومی و سرانجام مقاومت قهرآمیز علیه ارتجاع داخلی بیانجامد. باید علیه توهمات سیاسی و منحرفین فرمیست که به اصلاح رژیم چشم دوخته‌اند، مبارزه کرد و بر پاکیزگی جنبش دمکراتیک مردم و تفکیک ناپذیر بودن آن از پیکار ضد امپریالیستی و ضد استعماری و سرنگونی تمامیت نظام سرمایه‌داری و ضد بشری جمهوری اسلامی تأکید ورزید.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهانی بشریت!
زنده باد همبستگی بین المللی!

یکشنبه اول اسفند ۱۳۸۹

توفان بر فراز کشورهای عربی وریاکاری امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها و عمال ایرانی آنها

توفانی که در تونس وزید و تومار رژیم بن علی زین‌العابدین را درهم پیچید و موجب فرار او از کشور شد، به کشور مصر و سپس به یمن و اردن سرایت کرد و ارکان رژیم‌های دیکتاتوری و ارتجاعی را به لرزه درآورد. این جنبش‌ها تا همین جا دست آورده‌ای مهمی داشته و موجب شور و تحرک انقلابی در آفریقا و آسیا گشته و خلق‌ها را در موضعی تعرضی در مقابل رژیم‌های ارتجاعی، امپریالیست‌ها، به ویژه امپریالیست آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل در منطقه خاورمیانه قرار داده است. توفانی که پیا شده است ریشه در فقر عمومی، بیکاری افسارگسیخته، اختلافات شدید طبقاتی و سرکوب‌های وحشیانه سیاسی دارد. طبق برآورد آمارهای رسمی، درآمد سالانه مردم در تونس ۳۵۰۰ دلار، در مصر حدود ۱۷۰۰ دلار و در یمن ۲۳۰۰ دلار است. نیمی از جمعیت ۸۳ میلیونی مردم مصر با درآمدی حدود دودلار در روز زندگی می کنند. نزدیک به نیمی از مردم ۲۰ میلیونی در قاهره در زاغه‌ها و فقیر نشین‌های حاشیه پایتخت زیست می کنند و درآمد آنها زیر یک دلار برآورد شده است. کشور یمن که هشتاد درصد درآمد آن را نفت و گاز تشکیل می دهد، یکی از فقیرترین کشورهای عربی است. شایان ذکر است که صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۹۱ تحولات نئولیبرالی اقتصادی را در کشورهای تونس و مصر از طریق رژیم‌های حاکم پیاده کرده و حاصل آن جز افزایش سرسام آور کالاهای مورد نیاز مردم، خصوصی سازی‌ها، صرفه جوئی‌های اقتصادی، رشد بیکاری و شکاف عظیم طبقاتی نبوده است. صندوق بین‌المللی پول بارها از الگوی "موفق" کشورهای مصر و تونس سخن گفته است. این "الگوی موفق صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی" همه تحت هدایت رژیم‌های وابسته و نیمه مستعمره مصر و تونس و... صورت پذیرفته است. این رژیم‌ها سال‌هاست که به اوامر و دیکته امپریالیست آمریکا و همین طور اتحادیه اروپا کمر همت بسته‌اند و به عنوان خادمان امپریالیسم انجام وظیفه کرده‌اند. اختلاف طبقاتی به اندازه‌ای در این ممالک رشد کرد که دیگر زندگی برای توده زحمتکش غیرقابل تحمل گردید و لذا تلنگری لازم بود تا توفان آغازین کند. **خود آتش زنی جوان تونس**ی جرقه‌ای بود که به حریقی در تونس، مصر، یمن، اردن و... تبدیل گردد.

توفانی که بر فراز کشورهای آفریقای شمالی و خاورمیانه به پرواز درآمد نه تنها تمامی رژیم‌های منطقه را تکان داد، بلکه امپریالیست‌ها به ویژه امپریالیست آمریکا را به وحشت مرگ انداخت. اهمیت استراتژیک مصر در شاخ آفریقا و خاورمیانه به عنوان متحد قابل اتکاء و پایدار امپریالیست آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل به ویژه در سرکوب خلق فلسطین غیر قابل کتمان است. از

این رو اکنون امپریالیست آمریکا چون ماری زخم خورده به فکر چاره است تا با طرح‌های ارتجاعی مانع تداوم و عمق گرفتن نهضت انقلابی مردم گردد. کنترل تغییرات اوضاع و حفظ ارتش و سازمان اطلاعات و از سوئی اجرای اصلاحاتی جزئی در بالا از جمله تاکتیک آمریکا در شرایط کنونی است. حمایت از البرادعی و پیشنهاد یک حکومت ائتلافی با سران رژیم مبارک یکی از طرح‌ها و مانورهای سیاسی آمریکا برای برون رفت از بحران فعلی است. آمریکا با استفاده از تجارب موفق خود در خرابکاری در نهضت اندونزی و فیلیپین که سرانجام مانع نضج گیری و تکامل جنبش گردید می خواهد با همان شیوه و دخالت‌های آشکار و پنهان جنبش انقلابی مردم در مصر و تونس، یمن و... را به انحراف ببرد. از این رو وظیفه‌ای بس سنگین بر دوش نیروهای مترقی و استقلال طلب و به ویژه کمونیست‌های این کشورهاست که هشیارانه عمل کنند و جنبش دموکراتیک و عدالتجویانه را در پیوند با مبارزه علیه امپریالیست‌ها و ابزارهای نو استعماری آنها، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به پیش برند. در تونس حزب کمونیست کارگران با اتخاذ سیاستی خردمندانه بر وحدت نیروهای انقلابی و ترقی خواه و مبارزه علی سیاست‌های امپریالیستی و ویرانگر نئولیبرالی و همین طور قطع رابطه دیپلماتیک با رژیم نژاد پرست و صهیونیستی اسرائیل تأکید کرده و این سیاست در برنامه **جبهه ۱۴ ژانویه** که متشکل از چند حزب و گروه سیاسی است به روشنی منعکس شده است.

مبارزات قهرمانانه مردم مصر و سایر مردم عرب بی شک بر ضد رژیم جمهوری اسلامی هم هست. بی دلیل نیست که سید علی خامنه‌ای در نماز جمعه اخیر و از سر ترس دچار هذیان گویی شد و مردم مصر را به استقرار نظام جمهوری اسلامی تشویق نمود. این در حالیست که جنبش دموکراتیک و عدالتجویانه مردم مصر همانند جنبش دموکراتیک مردم ایران در ۲۲ خرداد ۸۸ هیچ نشانی از مطالبات مذهبی ندارد. این جنبش با فریاد نان، آزادی و عدالت اجتماعی آغاز شده است. لیکن برخورد حاکمیت جمهوری اسلامی و رژیم مبارک در سرکوب توده‌های به ستوه آمده بسیار شبیه بهم است. اگر دارودسته اوباش مبارک با قمه و شتر و اسب به میدان آمدند و با کشتار ده‌ها نفر و هزاران زخمی مذبحخانه کوشیدند تا آتش خشم مردم را خاموش سازند، رژیم شاه در ایران با چاقوکشان شعبان بی مخ به میدان آمد و رژیم جمهوری اسلامی نیز با بسیج موتور سواران و لباس شخصی‌های قمه به دست و تیر اندازی از بالای بام و ایجاد رعب و وحشت و قتل و شکنجه کوشید به اهداف ردیلانه‌اش برسد. این دو رژیم در سرکوب و پستی و خیانت به ملت همزاد یکدیگرند، ماهیتشان ضد بشری و بربرمنشانه است. در پاسخ به اراجیف سید علی خامنه‌ای و خواست استقرار جمهوری اسلامی در مصر یکی از سخنگویان اخوان المسلمین فوراً اعلام داشت که "حکومت آینده مصر اسلامی نخواهد بود، نهضت مصر به همه مردم مصر تعلق دارد". در همین رابطه تنی چند از افراد اسلامی در تونس نیز سخن گفتند که خواهان ادغام دین با دولت نیستند و انقلاب تونس به همه ملت تعلق دارد. سخنان خامنه‌ای در نماز جمعه و دعوت از مردم مصر به استقرار نظام اسلامی ناشی از ترس او از بروز انفجار مشابه در ایران است و جز این نیست.

اما آنهایی که در اشکال مختلف قیام برحق مردم مصر را با مارک اسلام سیاسی تخریب می کنند و مدام بر طبل این که اگر "**اسلامیست‌ها** بر سر کار آیند..." می گویند. یا نادانند و یا از نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی خط می گیرند زیرا در عمل مردم را به پذیرش رژیم مبارک دعوت می کنند. نقش خائنانه آنها این است که اساساً برای حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به دست خودشان اعتقادی ندارند. آنها تنها با آن حق سرنوشتی موافقت که منافع اسرائیل و آمریکا و طبقه حاکمه ارتجاعی این ممالک را تأمین کنند. آنها با حق تأمین منافع ما موافقت و به دروغ و ریاکاری خود را هوادار انتخابات آزاد جا می زنند. ریاکاری آنها در همین عبارت معلوم می شود که خود را مدافع "آزادی‌های بی قید و شرط" جا می زنند ولی وقتی پای منافع ملت‌ها به میان می آید از حمایت از آنها سرباز می زنند. جنبش انقلابی که در طی یک ماه اخیر آغاز شده است در کلیت یک نهضت خودجوش است، هنوز دارای رهبری نیست. دیکتاتوری سی ساله در مصر و بیست و سه سال دیکتاتوری در تونس اجازه سازماندهی به مردم و تشکلات سیاسی را نداده است. از این رو نیروهای انقلابی باید برای پیروزی، در انقلاب مردم فعالانه شرکت کنند و به مردم آموزش سیاسی دهند. باید در روند انقلاب شعارهای صحیح را طرح و تلاش نمایند که رهبری مبارزه را کسب کنند. هر کس خانه نشین شود و بگوید رهبری دست اسلامی‌هاست، من ترجیح می دهم حسنی مبارک سرکار بماند، خانن به مردم خودش و مردم منطقه است. پیروزی همیشه با مبارزه همراه است. خانه نشین‌ها هرگز کاری از شان ساخته نیست. انقلاب در ممالک عربی ضربه هولناکی به اسرائیل و امپریالیسم در منطقه است. جنبش فلسطین اوج می گیرد. تجاوز اسرائیل به لبنان منتفی می شود. صهیونیست‌ها باید حساب کار خودشان را بکنند و آمریکائی‌ها باید گورشان را از عراق و افغانستان بکنند و بروند. منطقه بهم ریخته است و این به نفع مردم منطقه است. دوستان و عمال اسرائیل و تمام رسانه‌های غربی مردم را از هیولای اسلام در این ممالک می ترسانند تا از این مبارزات حمایت نکنند. بر نیروهای انقلابی و به ویژه کمونیست‌هاست که به افشای عمال اسرائیلی چه در ایران و چه در جهان که مرتب می گویند مشکل جهان، اسلام سیاسی است بپردازند. نیروهای انقلابی و دموکرات و مترقی باید از مبارزه مردم عرب دفاع کنند. از هم اکنون امپریالیست‌ها دست به کار شده‌اند قهرمانان نجات قلابی نظیر البرادعی برای مصری‌ها و یا برای تونس‌ها که رهبری جنبش در دست نیروهای دموکراتیک است بسازند تا صدمه‌ای به اسرائیل و سیاست راهبردی امپریالیست‌ها وارد نشود. باید خلق‌های عرب هشیار باشند پیروزی آنها، پیروزی ملت‌های ایران و عربستان سعودی هم هست. مارکسیست - لنینیست‌ها باید در این نبرد عظیم طبقاتی پیشاپیش جنبش حرکت نمایند و با رهبری صحیح آن را به سرانجام برسانند. تنها در این صورت است که جنبش به پیروزی نهائی نائل خواهد آمد.

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستنی مبارزه ضد امپریالیستی است

نکته دیگری که مبارزه قهرمانانه ملت‌های عرب برملا کرد ریاکاری امپریالیست‌ها و صهیونیست‌هاست. کسانی که تا دیروز از این رژیم‌های آدمخوار حمایت می‌کردند و برایشان سنگ تمام می‌گذاشتند و برای حقوق بشر ارزشی قائل نبودند و قلداری صهیونیست‌ها را در قتل عام مردم فلسطین تائید می‌کردند و در محاصره ۱/۵ میلیون فلسطینی به جرم گزینش حماس در یک انتخابات آزاد شرکت داشتند به یکباره این نوکران خویش را دیکتاتور می‌نامند و به یکباره از نقض حقوق بشر سخن می‌رانند تو گوئی که آنها خواب نما شده‌اند. این ریاکاری نه از آن جهت است که آنها هوادار حقوق بشر و دموکراسی شده‌اند. خیر! آنها برای فریب مردم عرب و ملت‌های غرب سعی می‌کنند با ملت‌های عرب هم آوا شوند و مجدداً راه را برای تثبیت آدمخواران هموار نمایند.

آنها به ویژه در مصر با کمک مبارک، چاقوگشان را به میدان آوردند تا مبارزین را سرکوب کنند. ارتش بی تفاوت به مسئله برخورد می‌کند. پس از این که هجوم مردم ادامه یافت و این تاکتیک ننگین با شکست روبرو شد به ارتش دستور دادند نقش میانجی و عامل صلح و قهرمان نجات ملی را ایفاء کند که عاملی برای جلوگیری از هرج و مرج است. ارتش مصر سراپا آمریکائی است. هزاران نفر از سران آن در آمریکا دوره دیده و با سران ارتش آمریکا در تماسند. هر روز نیز از آمریکا اتخاذ تصمیم می‌کنند. ارتش مصر وظیفه‌اش در شرایط کنونی، فریب دادن مردم است تا حاکمیت بتواند سر فرصت از گنجی بدر آمده جلوی رشد جنبش را گرفته و با کنترل، جنبش را توسط عوامل خویش به کجراه برد. سران صهیونیست با این تصمیمات هم دهان مبارک هستند. این تجربیات نشان می‌دهد که مبارزه خلق‌های خاورمیانه و از جمله ایران اگر بخاهد به نتیجه برسد، باید نه تنها علیه رژیم‌های مستبد حاکم، بلکه علیه امپریالیسم و صهیونیسم نیز مبارزه کند وگرنه امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها جنبش را به بیراهه می‌کشند. در ایران نیز از هم اکنون عمال آنها فعالند و می‌خواهند آمریکا و اسرائیل را از زیر ضربه مبارزین نجات دهند. آنها مزورانه خود را پشت مبارزه با جنایات جمهوری اسلامی پنهان می‌کنند و نمی‌گذارند مردم میهن ما از مبارزات مردم این ممالک حمایت کنند. آنها برای همدردی با مردم سایر ممالک وقت ندارند ولی از همه جهان می‌خواهند که مبارزه مردم ایران را بر ضد جمهوری اسلامی مورد حمایت قرار دهند. وقتی مچ آنها را می‌گیرید، عربده می‌کشند که ما ایرانی هستیم و باید علیه مستبدین خودمان بجنگیم و در امور داخلی سایر ممالک دخالت نکنیم. همین سیاست نقاب عوامفریبی آنها را می‌درد و دستشان را رو می‌کند. هر مدعی مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی الزاماً انقلابی نیست می‌تواند عامل آمریکا و اسرائیل هم باشد این است که ایرانیان میهن پرست، انقلابی، دموکرات و کمونیست‌ها باید مواظب این جاسوسان باشند.

زنده باد مبارزات قهرمانانه خلق‌های عرب علیه ارتجاع و امپریالیسم و صهیونیسم

مبارک فرار کرد، اما نظام نامبارکش هنوز پابرجاست



خبر استعفای حسنی مبارک توسط معاونش موجی از شادی در سراسر مصر آفرید. این اگرچه تازه آغاز کار است اما تا همینجا یک پیروزی و پیشروی برای مردم مصر و منطقه محسوب می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین و ارتجاعی‌ترین دیکتاتورها و سرسپرده امپریالیست آمریکا و متحد اسرائیل صهیونیست در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پا به فرار گذاشت. مبارک تمام تلاش خود را به کار گرفت تا برمسند قدرت باقی بماند و به همان شیوه سابق حکومت کند، اما مردم مصر متحد و یکپارچه از خواست برکناری وی کوتاه نیامدند و سرانجام با به میدان آمدن کارگران، اعتصاب بیش از ۶۰۰۰ نفر از کارگران کانال سوئز و اعتصاب هزاران نفر از پزشکان و پرستاران و کارمندان بیمارستان‌های قاهره ... وی را وادار ساختند تا رسماً استعفا دهد. امپریالیست آمریکا که از مدت‌ها پیش به عمق جنبش انقلابی مصر پی برده بود زیرکانه با خواست مردم همراه شد و برکناری مبارک را در دستور کار خود قرارداد. رفتار آمریکا با مبارک و محمد رضا شاه به عنوان نوکران حلقه بگوش باید برای بقایای رژیم پهلوی بسیار آموزنده باشد. تا همین

دیروز آمریکا و اتحادیه اروپا از مبارک به عنوان رهبر ممالک عربی و شخصیتی با هوش و کاردان از وی دفاع می کردند و بر کشتار و شکنجه مبارزین سرپوش می گذاشتند لیکن اکنون این روباه صفتان رنگ عوض کرده، نوکرشان را چون قاب دستمال کنار گذاشتند و مورد بی مهری قرار دادند. این سرنوشت همه دیکتاتورهای گماشته اجنبی است که با مردمشان بیگانه اند. اما برکناری حسنی مبارک و سپردن قدرت به شورای ارتش و حفظ تمام دستگاه سرکوب رژیم بدین معناست که نظام سرکوب و شکنجه و نو استعماری همچنان پا برجاست و آمریکا قصد دارد با تغییراتی جزئی مانع پیشروی و رادیکالیزه شدن انقلاب مردم مصر گردد. جنبش انقلابی مصر برای پیروزی نهائی باید کل نظام فاسد و نو مستعمره را هدف قرار دهد و مسلح شدن توده ها و تشکیل انجمن ها و کمیته ها و شوراهای انقلابی تضمینی بر ادامه انقلاب و خنثی ساختن تحرکات ضد انقلابی است. پیروزی نهائی انقلاب زمانی تأمین می گردد که رهبری این انقلاب در دست یک حزب پرتوان مارکسیست لنینیستی قرار گیرد. تنها در این صورت است که می توان مردم مصر را از ظلمت نظام سرمایه داری و نو استعماری رها ساخت

زنده باد انقلاب خلق مصر!

نابود باد امپریالیسم و صهیونیسم و عمال داخلی شان در مصر

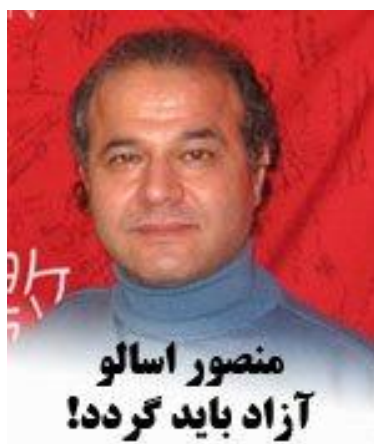
جمعه ۲۲ بهمن برابر با ۱۱ فوریه

سخن هفته

نقل از فیس بوک حزب کارایران (توفان)

* * * * *

جان منصور اسالو در خطر است



طبق گزارشات رسیده، شرایط جسمی منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران رو به وخامت گذاشته است و بازجویان جمهوری اسلامی از درمان وی در بیمارستان های خارج از زندان ممانعت به عمل می آورند. منصور اسالو در هفته های اخیر چند بار دچار حمله قلبی شده و وی را به بیمارستان رجائی شهر کرج منتقل کردند لیکن مجدداً او را به زندان بازگرداندند. یکی از رگ های اصلی قلب منصور اسالو مسدود شده است و حال وی وخیم است. مادر، همسر و فرزندانش پس از اطلاع یافتن از بستری شدن منصور اسالو خواستار ملاقات با وی شدند اما مزدوران اطلاعاتی اجازه این ملاقات را به آنها ندادند. منصور اسالو و تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی که در زندان گوهردشت کرج در چنگال آدمخواران رژیم گرفتارند فاقد حداقل امکانات پزشکی هستند و رژیم آهنگ آن دارد با فشارهای جسمی و روحی و اذیت و آزار منصور اسالو و رفقای هم بندش مقاومتشان را در هم شکنند. فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، نسبت به خطر جانی که تعدادی از زندانیان سیاسی بیمار در زندان گوهردشت کرج با آن مواجه هستند هشدار داده و از کمیسر عالی حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل خواستار اقدامات ضروری برای نجات جان منصور اسالو و سایر زندانیان سیاسی شدند. فعالین سندیکائی در ایران تنها با ضرب و شتم و تهدید و ارباب و فشارهای مالی و اخراج و زندان و شکنجه و ترور مواجه نیستند، بلکه رژیم جنایتکار اسلامی برای فشار مضاعف به آنها، اعضاء خانواده و بستگان آنها را نیز مورد تهدید و آزار و اذیت و شکنجه و ترور روحی و روانی قرار می دهد. حزب ما ضمن محکوم کردن فشارهای ضد بشری جمهوری اسلامی بر منصور اسالو و سایر زندانیان سیاسی و همین طور بر خانواده های آنها از احزاب برادر و تمام نیروهای مترقی و مردمی بین المللی می خواهد که با تمام قوا و امکانات از کارگران فعال در بند و خانواده آنها حمایت کرده و نفرت و انزجار خود را نسبت به عملکرد دستگاه های جنایتکار و سرکوبگر جمهوری اسلامی ابراز نمایند.

آزادی فوری منصور اسالو و همه زندانیان سیاسی!

بهمن ماه ۱۳۸۹

باز هم پیرامون افراد منشی و انضباط حزبی

پیرامون حزبیت و مقولهٔ افراد منشی بسیار سخن گفته‌ایم و باز هم خواهیم نوشت. سخن بر سر این است چرا عده‌ای که خود را چپ و مدافع طبقهٔ کارگر می‌نامند به انضباط حزبی تن در نمی‌دهند و افراد منش هستند. چنین روحیهٔ بی‌انضباطی و منیت خواهی و تشکل‌ناپذیری از کجا سرچشمه می‌گیرد. واقعیت این است که پذیرش انضباط یعنی قبول این امر که مبارزهٔ طبقاتی پیچیده، بیرحمانه در راهی مملو از دام‌های دشمن به پیش می‌رود و برای این که کسی با موفقیت این راه را پشت سر بگذارد به ارتشی کارگشته، با تجربه، فداکار، معتقد، منضبط و انقلابی نیاز دارد. این ارتش باید فرماندهی شود. ستاد فرماندهی باید از فرماندهان با تجربه که از نظر تئوریک دانش خویش را به ثبوت رسانده و در مبارزهٔ سیاسی چند دست لباس پاره کرده‌اند و در عمل اجتماعی و تماس با توده‌های مردم تجربه اندوخته‌اند، مملو باشد که بتوانند با تکیه بر حزب، ادامه کاری مبارزه را تضمین کنند. این تبحر، کیاست و توانایی در امر مبارزهٔ منضبط که با آگاهی طبقاتی صورت می‌گیرد یک شبه ایجاد نمی‌شود. به سال‌ها مبارزهٔ بی‌امان و سرشار از جمع‌بندی در جهت بهبود و مؤثر بودن کارها نیاز دارد. این است که حزب بخشی از زندگی رفیق حزبی می‌شود. بدون یک انضباط حزبی، مبارزه با دشمن مقتدر طبقاتی فقط یک شوخی بی‌مزه و در مراحل جنایتکارانه است. زیرا مؤمنین به راه آزادی طبقهٔ کارگر را بدون داشتن یک فرماندهی منضبط به روی مین‌های دشمن طبقاتی می‌فرستد تا کشته شوند. ضد حزبی‌ها از نظر طبقاتی ماهیت خرده بورژوازی دارند و از این نظر است که "منیت" و "انفردمنشی" آنها مانع از آن است که به پذیرش انضباط پرولتری تن در دهند. پرولتاریا از انضباط نمی‌هراسد زیرا زندگی سرشار از انضباط بوده و با انضباط کار بزرگ شده است. آنها برای فرار از انضباط که منش فردی آنها را مهار کرده و آموزششان می‌دهد که تابع تصمیمات جمع باشند و به دموکراسی حزبی تن در دهند، یا به صراحت و یا با مودیکری و یا با توسل به تئوری‌های ورشکسته "توپامارونی"، "مارگیلائی"، "کاستریستی" و "گواریستی" از قبول انضباط شانه خالی می‌کنند. فرار از انضباط، فرار از جبههٔ جنگ و پشت کردن به یاران و خوش خدمتی به دشمن طبقاتی است. فرار از انضباط یعنی فرار از فرماندهی، فرار از مبارزه و انصراف از کسب قدرت سیاسی است. این انحراف در بهترین حالت یک انحراف روشنفکرانه خرده بورژوازی است.

بورژوازی لیبرال که دشمن حزب طبقهٔ کارگر است برای تقویت این تفکر شریک خرده بورژوازی، به تئوری‌های "مبارزه با ایجاد حکومت نظامی در حزب"، "مبارزه با دیکتاتوری رهبری" و نظایر آنها در می‌آمیزد تا دل مبارزین طبقهٔ کارگر را از درون خالی کند. نفس این امر خود یک مبارزهٔ بزرگ ایدئولوژیک است. دشمن طبقاتی قبل از این که ابزار زندان و شکنجه و اعدام را به کار گیرد، قبل از این که از طریق سانسور، جعل اخبار و جعل حوادث تاریخی در شستشوی مغزی حریف موفق شود تلاش می‌ورزد همه راه‌هایی را که به "روم" ختم می‌شود، مسدود کند. سم پاشی دشمن طبقاتی که با آگاهی و زیرکی صورت می‌گیرد بخشی از مجموعهٔ مبارزهٔ طبقاتی و تحت انقیاد گرفتن طبقهٔ کارگر است. عده‌ای نادان سیاسی که اسیر منش افرادی خویش هستند و مبارزهٔ اجتماعی را نه امری در خدمت آزادی طبقهٔ کارگر بلکه آبی بر آتش تمنیات شعله ور شده خرده بورژوازی و خود نمائی و جاه طلبی فردی خویش می‌دانند، به نفعی انضباط و مالا به نفعی حزب می‌پردازند.

آن کس که با انضباط مخالف است نمی‌تواند به تصمیمات تشکلی تن در دهد که در شرایط مخفی و تسلط ارتجاع حداکثر انضباط ممکن را می‌طلبد. این گونه افراد در بهترین حالت صرفاً در حرف "انقلابی" می‌مانند و در عمل کوچک ترین گامی در راه کسب قدرت سیاسی و آزادی طبقهٔ کارگر و برچیدن نظام ستمگر سرمایه‌داری بر نمی‌دارند. این گونه روحیات آنارشستی می‌تواند در مراحل بسیار خطرناک و ارتجاعی باشد که باید بر ضدش به شدت مبارزه کرد و مبارزان راه آزادی طبقهٔ کارگر را از زیر نفوذ و ویروس بی‌خیالی و افراد منشی و عقل کل بودن که در عین حال مظاهر بی‌مسئولیتی و بزدلی هستند نجات داد.

افراد منش هرگز مسئولیتی تقبل نمی‌کند ولی در عوض زبانش برای اعتراض دراز است. هر وقت به شما می‌رسد انبانی از پیشنهادهای دارد که برای تحقق آنها خودش هرگز حاضر نیست گوشه‌ای از آنها را بعهده گیرد. کارش مانند چک بی‌پشتوانه است. وی به مصداق این شعر رفیق محمد علی افراشته کار می‌کند:

در جلسات اسم مرا یاد کنید
بنده را مستمع آزاد قلمداد کنید
حزب اگر آمد سر کار که ما هم هستیم
شاه سابق اگر آمد که سلامت جستیم

افراد منش در عین حال ترسو و بزدل است زیرا از قبول مسئولیت واهمه دارد. از گزارش دهی و گزارش خواهی و حساب و کتاب می‌هراسد. "آسته برو آسته بیا تا گربه ساخت نزنه" شعار وی است. خواهان دردسر نیست بیشتر سر درد تولید می‌کند. وی می‌خواهد همه جا اسمش باشد ولی حضورش پنهان باشد. می‌ترسد دست به چیزی بزند که مبدا دستش "انجس" شود. ولی چنین عنصری در عوض ویژه گی‌های خاصی دارد که شاخص همهٔ انسان‌های هم مسلک اوست. به زمین و زمان ایراد می‌گیرد و بهتر از همه می‌داند و عقل کل است، با همه اختلافات اساسی و ماهوی دارد. وی می‌داند که اگر رفیق استالین چنین و چنان نمی‌کرد سوسیالیسم در جهان پیروز شده بود. وی هوادار سوسیالیستی است که در جهان نبوده و نخواهد بود. "سوسیالیسم بی درد سر"، "سوسیالیسم نا ممکن"، "سوسیالیسم از راه دور".

این گونه افراد حتی انقلابی نیز نیستند زیرا به دانش مارکسیسم لنینیسم متکی نمی‌باشند.

یک کمونیست مارکسیست لنینیست منضبط است نه از آن گونه که در اهمیت انضباط در کتابها مطالعه کرده است، نه از آن گونه که از روی بی خبری، دنباله روی را ترجیح می دهد و تصمیم دارد که دیگران به جای وی فکر کنند و به وی دستور بدهند. خیر انضباط کمونیستی در یک حزب لنینی-استالینی یعنی حزبی که بر اساس مرکزیت دموکراتیک شکل گرفته و فراکسیونیسیم در آن جایی ندارد انضباطی آگاهانه است. انضباطی که آگاهانه نباشد دوام ندارد، مقاومت ندارد، از پس حل مسائل بر نمی آید، از جان و دل و با فداکاری نیست. انضباطی محکم و مؤثر است که بر آگاهی طبقاتی متکی باشد. انضباط آگاهانه به مفهوم آگاهی به مارکسیسم لنینیسم یعنی متکی بر علم مبارزه طبقاتی است. اگر این عامل آگاهی را از انضباط بگیریم، آن را به اطاعت کورکورانه بدل کرده ایم. هیچ حزب کمونیستی قادر نخواهد بود با مثنی که به اطاعت کورکورانه تن می دهند قدرت سیاسی را قبضه کند. کسب قدرت سیاسی از درون آگاهی طبقاتی و بسیج توده‌ها بر این مبنا ممکن می گردد. این امر فقط در درون حزب طبقه کارگر ایران، حزب کار ایران (توفان) ممکن است. زیرا انضباط آگاهانه در عمل در چهارچوب یک تشکیلات سیاسی کمونیستی که به دانش مارکسیسم لنینیسم مجهز است ممکن می گردد. در جمع است که می توان به نیروی جمع پی برد و با منش فردی و روحیات خرده بورژوازی مبارزه کرد و زمینه‌ای را فراهم نمود که امکان خوش رقصی و رشد انفراد منشی و روحیه ضد حزبی را از بین برد. این است که دشمنان حزب که در جبهه ضد حزبی با منش فردی و بر اساس "منیت" خویش گرد آمده‌اند با تلاش زیاد مانع آن هستند که رهروان صمیمی راه آزادی طبقه کارگر راه درست خویش را پیدا کنند. دامن زدن به آشفته فکری از این قبیل سلاح‌های است که آنها در مبارزه ایدئولوژیک از آن استفاده می جویند. آنها مریدان خویش را پند و اندرز می دهند که صبر را پیشه سازند تا آنها از غوره حلوا سازند و همه مسایل جنبش را در گذشته و حال و آینده حل کرده و برای آنها پاسخ قانع کننده پیدا نموده و آنگاه از نقطه صفر شروع به مبارزه نمایند. مبارزه‌ای که باید بر خلاف مبارزه گذشتگان "بی عیب و نقص" باشد و مو لای درزش نرود. با این اطمینان که دیگر در مقابل همه مانورهای دشمن، تهدیدات، ستون پنجمی‌ها و اشتباهات مصونیت پیدا کرده‌اند.

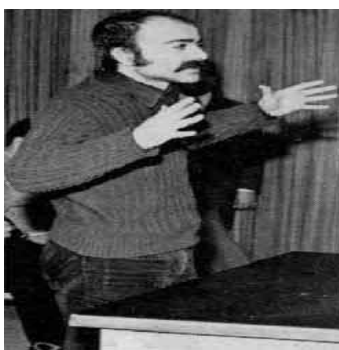
داروی این بیماری‌ها و مایخولیاها حزب است که بر اساس اعتقاد به دانش مارکسیسم لنینیسم، قبول حزبی و تن در دادن به موازین حزبی سازمانی قادر است که این افکار را مهار کند و پادزهر آن را مهیا نماید و راه کسب قدرت سیاسی را با زدودن غبار راه‌ها بگشاید

« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فزونی مشترک طبقات متخاصم ختم می گردید، دست زده‌اند. »

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

زادروز یک حماسه

سند جنایت رژیم پهلوی



خسرو گل‌سرخ
اهل رشت

دوم بهمن ۱۳۲۲ روز تولد

پنجم بهمن ۱۳۵۲ حکم اعدامش رسماً ابلاغ می شود
بیست و نهم بهمن ۱۳۵۲ تیرباران می شود

وقتی سلطنت طلبان رنگارنگ و رضا نیم پهلوی در مقابل اسناد غیر قابل انکار و جنایات بی شمار محمدرضا پهلوی و دستگاه ساواک و از جمله اعدام خسرو گل سرخی قرار می گیرند زبانشان بند می آید و شهادت محکوم کردن آن دستگاه وابسته و دیکتاتوری و ظلم و زور و فساد را ندارند و بُزدلانه از کنار آن می گذرند، اما تا دلتان بخواهد علیه اعدام و کشتار جمهوری اسلامی سخن می گویند و به شما وعده دمکراسی و حقوق بشر را در فردای ایران می دهند. تا دلتان بخواهد از حقوق شهروندی و آزادی احزاب و حقوق دموکراتیک سخن می گویند. در حالی که همزمان از نقض حقوق بشر در فلسطین و عراق و افغانستان حمایت می کنند، همان طور که در مصر و تونس کرده، باز هم خواهند کرد. اینان خود را ضد رژیم و مدافع آزادی جا می زنند غافل از این که ضد رژیم جمهوری اسلامی بودن خود بخود معیار ترقی خواهی نیست، اگر این مبارزه علیه سرمایه داری و امپریالیسم و علیه دخالت اجنبی در ایران و علیه کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ که به نابودی دموکراسی نوپای ایران انجامید جهت گیری نداشته باشد. با طرح همین حداقل مواضع سیاسی است که می توان ماهیت جریانات سیاسی را در پیکار علیه جمهوری اسلامی روشن کرد و دوست و دشمن مردم ایران را از هم تمیز داد. سلطنت طلبان و کلیه جریاناتی که علیه امپریالیسم و صهیونیسم و تجاوز به فلسطین و افغانستان و عراق موضع نمی گیرند در کمپ ارتجاع منطقه و جهان هستند و حقوق بشر خواهی شان کذب محض است و پیشیزی ارزش ندارد.

با یادآوری گوشه‌ای از دفاعیات قهرمانانه رفیق خسرو گل سرخی یادش را گرامی می داریم و به رژیم به گور سپرده شده و گماشته پهلوی و بقایای خارجه نشینش لعنت می فرستیم.

خسرو گل سرخی در دادگاه نظامی:

من به خاطر جانم چانه نمی زنم ، زیرا فرزند خلق مبارز و دلاور هستم.

سرهنگ غفارزاده رئیس دادگاه: فقط از خودتان دفاع کنید. حاشیه رفتن و تبلیغات مرامی را کنار بگذارید گل سرخی: از حرف‌های من می ترسید؟

سرهنگ غفارزاده با عصبانیت: به شما دستور می دهم ساکت شوید. بنشینید!

خسرو گل سرخی با صدائی بلندتر: **به من دستور ندهید. بروید به سر جوخه‌ها و گروهان‌هایتان دستور بدهید. خیال نمی کنم صدای من آن قدر بلند باشد که بتواند وجدان خفته‌ای را بیدار کند. خوف نکنید. می بینید که در این دادگاه به اصطلاح محترم هم سرنیزه‌ها از شما حمایت می کنند.....**



سید علی داوطلبانه و با میل خود نمی رود

بن علی و مبارک داوطلبانه نرفتند. مبارزات توفنده مردم تونس و مصر و اعتصابات کارگری و پیوند آن با مبارزات خیابانی موجب فرار دیکتاتورهای این دو کشور گردید. رژیم‌های این دو کشور کماکان پابرجا هستند و مبارزات مردم هم چنان ادامه دارد. تاریخ جمهوری اسلامی تاریخ ۳۲ سال شکنجه و اعدام، سنگسار زنان، کشتار و سرکوب خونین دگراندیشان، دروغ و تزویر و ریا و تاریخ ۳۲ سال غارت ثروت و دسترنج مردم ایران است. رژیم جمهوری اسلامی به رهبری ولی فقیه، سید علی خامنه‌ای داوطلبانه و با میل خود، از طریق مسالمت آمیز و رفراندم و یا تظاهرات‌های خیابانی دست از قدرت نمی کشد، همان طور که رژیم شاه نکشید و تا آخرین روزهای حیات ننگین خویش از گشودن گلوله به سوی مردم دریغ ننمود. از این رو باید حقیقت را به مردم گفت و آنها را برای روز قطعی جدال یعنی قهر انقلابی علیه رژیم آماده کرد. تاریخ ایران در این جهت پیش می رود و ما مارکسیست - لنینیست‌ها باید این ناقوس تاریخ را که به ما گوشزد می کند، بشنویم و خود را برای رهبری امواجی که در راهند آماده گردانیم. هر روز صف بندی‌ها روشن تر می گردد و آنها که منافع خود را در چهارچوب نظام سرمایه‌داری ولایت فقیه و یا بدون ولایت فقیه می بینند و در لباس پیغمبران جدید ظاهر گشته‌اند و عدم توسل به قهر را برای مردم موعظه می کنند، دشمنان مردم ایرانند و در عمل سیاست اعمال قهر حاکمیت و انحصار آن را در دست رژیم نظامی - امنیتی جمهوری اسلامی به رسمیت می شناسند. این جریانات ضد انقلاب و طرفداران تقلبی اعلامیه جهانی حقوق بشر، از یاد برده‌اند و یا خود را به نفهمی می زنند که در بیانیه جهانی حقوق بشر اصل توسل به قهر در دفاع از خود به عنوان آخرین وسیله ممکن به رسمیت شناخته شده است و محافظی که چنین اصلی را نادیده می گیرند مدافع قهر و خشونت ضد انقلابی جمهوری اسلامی‌اند و جز این نیز نمی باشد. تازه اگر سید علی هم برود اما رژیمش باقی بماند باز آش همان آش و کاسه همان کاسه.

عده‌ای که خود را این روزها اصلاح طلب جا می زنند به اصلاحات در درون رژیم و حفظ نظام جمهوری اسلامی تأکید دارند نه نفی کامل نظام و قانون اساسی ارتجاعی اسلامی‌اش، شورای نگهبان قرون وسطائی‌اش و مجلس خیرگان کپک زده‌اش و نفی تمام امتیازات

مذهبی‌اش. چنین اندیشه‌ای هدفی جز منع پیشروی مردم در برانداختن نظام جمهوری اسلامی ندارد. اینان در مبارزات مردم اخلال می‌کنند و به عنوان رهبران جنبش اما با گذشته‌های آلوده به کشتار و سرکوب خونین انقلابیون و نیروهای مترقی سعی دارند کشتی به گل نشسته جمهوری اسلامی را از سقوط نجات دهند. باید هوشیارانه عمل کرد. ضمن تمرکز مبارزه علیه حاکمیت مافیائی و آدمخوار خامنه‌ای و احمدی نژاد به افشای منادیان دروغین آزادی و عدالت اجتماعی نیز پرداخت و مردم را در مسیر صحیح مبارزه هدایت نمود. این امر وظیفه تعطیل نشدنی همه نیروهای انقلابی به ویژه مارکسیست - لنینیست‌های ایران است.

طنز تاریخ، دو انقلاب در ۲۲ بهمن، انقلاب ایران و انقلاب مصر

طنز تاریخ بسیار آموزنده است. در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب شکوهمند بهمن تومار رژیم سلطنت را درهم نوردید و یک رژیم دزد، غارتگر، مستبد و نوکر امپریالیسم و صهیونیسم را از ایران اخراج کرد. انقلاب ایران سلطنت را در تاریخ ایران برای همیشه منقرض نمود و دست امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها را از تعیین سرنوشت سیاسی مردم ایران کوتاه کرد. در ایران روز فرار شاه را میلیون‌ها مردم ایران با پایکوبی جشن گرفتند و این روز روز همه‌پرسی از مردم ایران برای انقراض سلطنت بود. این روز روزی است که ضد انقلاب مغلوب در ایران آن را به رسمیت نمی‌شناسد. این روز روز بیان قاطع نظر اکثریت شکننده مردم ایران است که ضد انقلاب ایران حاضر نیست نظر اکثریت مردم ایران را بپذیرد و به آن احترام بگذارد. روزی که شاه رفت ۳۰ میلیون در ایران جشن گرفتند ولی ضد انقلاب مغلوب با بی‌شرمی آن را نمی‌پذیرد و به رأی تاریخی مردم ایران گردن نمی‌نهد و مدعی است تنها تصمیمی را قبول دارد که منافع آنها را تامین کند. ضد انقلاب مغلوب ایران ضد دموکرات و مستبد و ریاکار باقی مانده است و فکر می‌کند با جعل تاریخ به مدد مثنی‌روشنفکر خود فروخته قادر است مسیر تاریخ ایران را عوض کند.

انقلاب ایران دستاوردهای فراوانی داشت علیرغم این که روحانیت به یاری تشکل مورد حمایت شاه، سنت‌های مذهبی مورد حمایت شاه، توانائی مالی و روابط جهانی، همدستی رویونیست‌ها با آنها و تسلیم ارتش در سر بزنگاه به دستور آمریکا به خمینی، موفق به کسب رهبری انقلاب شد و انقلاب را به کژراهه کشاند و با شکست روبرو ساخت، ولی همین انقلاب شکوهمند در ایران تأثیرات عظیمی از خود چه در داخل ایران و جهان و چه در منطقه باقی گذارد که تأثیرات آن تا به امروز نیز مشهود است. دسیسه‌های امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد ایران از جنگ تحمیلی گرفته تا تهدید به جنگ و محاصره اقتصادی و قلدری برای نقض حقوق مسلم مردم ایران تا به مردم منطقه درس عبرت دهند تا هرگز به انقلاب دست نزنند تا کنون با شکست مطلق روبرو شده است. آنچه را که امپریالیسم از خارج نتوانسته با موفقیت عملی کند ارتجاع در حکومت با سرکوب مردم و نقض حقوق انسان‌ها و سرکوب خواست‌های دموکراتیک آنها و نادیده گرفتن این واقعیت که حاکمیت ملی ناشی از نیروی ملت است و نه استبداد ولی فقیه، تمام عرصه‌های لازم برای مثمر ثمر نمودن دسیسه‌های امپریالیسم و صهیونیسم جهانی را فراهم می‌آورد. حکومتی که به مردمش متکی نباشد هرگز قادر نخواهد بود در مقابل دسیسه‌های دشمنان مردم ما با موفقیت عمل کند. این است که بار دیگر این تجربه تاریخی ثابت می‌گردد که مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم بدون مبارزه پیگیر برای تحقق دموکراسی بی‌آینده و ناموفق است. بدون حضور مردم در صحنه و شرکت آنها در روند مبارزه اجتماعی که ناشی از وجود دموکراسی در کشور است امکان ندارد بتوان یک جبهه محکم در مقابل امپریالیست‌ها بنا نهاد. درهم شکستن حاکمیت ایران به یک مسئله زمانی تبدیل شده است.

انقلاب ایران شکست خورد ولی انقلاب ادامه دارد و هنوز طبقه مرتجع حاکم نتوانسته است حرکت انقلابی مردم ما را که به خاطر آرمان‌های دموکراتیک و انسانی خویش به میدان آمدند و به تحقق آنها دست نیافتند مهار کند. روند انقلاب ایران که از زمان مشروطیت آغاز شده است تا دست یافتن مردم به خواست‌هایشان ادامه خواهد یافت. انقلاب ایران شکست خورد زیرا نتوانست به همه خواست‌های خود دست یابد ولی نیروهای مترقی و انقلابی ایران مهر خویش را بر انقلاب کوبیدند و مانع شدند که روحانیت ارتجاعی بتواند علیرغم همه سرکوب‌ها و جنایاتش صدای بر حق مردم ایران را خفه کند. ایران بیش از سی سال است که در شرایط اضطراری زندگی می‌کند. ایران بیش از سی و دو سال است که حکومت نظامی مخفی را تحمل می‌کند ولی هرگز حاکمیت روحانیت و مافیای

سرمایه‌داری کنونی نتوانسته است آمل انقلابی مردم ایران را که آنها به خاطر آن در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به خیابان آمدند از آنها بگیرند. مبارزه مردم ایران منجر به تفرقه در درون حاکمیت سیاه ارتجاعی سرمایه‌داری برای ادامه بقا خودشان شده است. همین اصلاحگران کنونی نتیجه فرعی مبارزه انقلابی مردم ایران هستند. این تجربه انقلابی باز به اثبات رسید که اصلاحات همواره محصول فرعی انقلاب است. در روند مبارزه انقلابی است که بخشی از حاکمیت حاضر می شود به اصلاحات گردن نهد. از قدیم گفته‌اند به مرگ بگیر تا به تب راضی شود. هیچ حاکمیتی با رضا و رغبت به اصلاحات تن در نمی دهد.

انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ چهره ایران و منطقه را دگرگون ساخت. امنیت اسرائیل و صدور بی مانع جریان نفت از عربستان سعودی به آمریکا را به خطر انداخت. به رشد جنبش‌های ضد امپریالیستی و صهیونیستی در جهان منجر شد و کرسی‌های مرتجعین را در منطقه لرزان ساخت. شکست انقلاب شکوهمند بهمن ایران مانند شکست انقلاب مشروطیت ایران پایان مبارزه مردم ایران نبود و نیست و این مبارزه برای تحقق خواست‌های تاریخی مردم ما با نیرو و قدرت بیشتری به پیش می رود. انقلاب ایران تنها موقتاً شکست خورده است ولی انقلاب ادامه دارد.

در ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ یعنی ۳۲ سال بعد از انقلاب ایران، فرعون مصر، حسنی مبارک با فرار مبارک خود، سنگینی وجود نامبارکش را از سر مردم مصر برداشت. در ۳۲ سال بعد از انقلاب ایران هیات حاکمه مصر که به خاندان شاه فراری و مورد نفرت مردم ایران پناه داده بود و ضدیت خویش را با انقلاب مردم ایران به نمایش گذارد، حال خود آماج مبارزه انقلابی مردم مصر قرار گرفته و فراری شد. انقلاب مردم مصر هنوز سرکوب نشده است و ادامه دارد ولی هر چه بر آن بگذرد یک چیز روشن است که استبداد حسنی مبارک این فرعون مصر این نوکر امپریالیسم و صهیونیسم به پایان رسید و مردم مصر این وجود منفور را که در منطقه منافع اقلیتی ثروتمند و صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها را تأمین می کرد اخراج کردند به طوری که ارتجاع مصر و جهان وحشت دارند بیان کنند که این عنصر منفور به کجا پناه برده است و در خدمت کدام امیر مرتجع عرب است. آیا وی در امارات متحده عربی است و یا در عربستان سعودی هنوز بر افکار عمومی روشن نیست.

جنبش مردم مصر به قدرت جنبش مردم ایران نبود. ریشه آن را باید در ضعف سنت‌های مبارزه دموکراتیک و مبارزه کمونیست‌های مصر در گذشته و ترکیب طبقاتی جامعه مصر جستجو کرد. کمونیست‌های مصر که به رویزیونیسم روی آورده و خود را به توصیه روس‌ها در جنبش سوسیالیستی ناصری منحل کردند کوچک ترین نقشی در مصر ندارند. در مصر جنبش نیروهای اپوزیسیون به عمق و گستردگی مبارزه اپوزیسیون ایران نبود. در مصر نیروهای مذهبی بیشتر مورد سرکوب قرار گرفته و از آن انسجامی که هواداران آیت‌الله خمینی برخوردار بودند بهره نمی بردند. آنها دارای یک رهبری متمرکز و مقتدر و پرنفوذ با جذب و جاذبه‌ای نظیر آیت‌الله خمینی نبودند که در مراحل قطعی جنبش حرف آخر را بر زبان آورد. پراکندگی اپوزیسیون، بی دورنمائی آنها، فقدان برنامه سیاسی و تنها بسنده کردن به این که مبارک باید برود و عدم تغییر به موقع شعارها کار آنها را برای راهنمائی مبارزه توده‌ای در مقابل مانور حاکمیت به بن بست می کشانید. فقدان حزب و حزبیت تأثیرات مرگبار خود را نمایان ساخت.

ارتش مصر با یاری اسرائیل و آمریکا به یک عقب نشینی منظم دست زد. در عین برداشتن شلاق شتر سواران و چاقوکش‌ها، نان قندی بی طرفی ارتش را به دست گرفت تا در مردم ایجاد اعتماد نسبت به ارتش بنماید. موش و گربه بازی مبارک برای کسب فرصت و سوق دادن همه سیلاب انقلاب برای افتادن به مجرای سرنگونی شخص مبارک با موفقیت در جریان بود تا ارتش به عنوان ناجی به یک کودتای سرد دست زده و قدرت را همانگونه که بود بدون شکسته شدن ماشین دولتی حفظ کند و روند عقب نشینی منظم را در دست بگیرد. مبارک مانند شاه صدای انقلاب را با تأخیر شنید ولی تجربه شاه به وی و اربابانش یاد داده بود که این عقب نشینی منظم را برای فریب مردم و کاستن از فشار سیل انقلاب چگونه به پیش برد. حاکمیت با مانورهای خویش تمام هدف انقلاب را در برکناری شخص رئیس جمهور خلاصه کرد و آمرانه اعلام کرد که مردم! شما به خواست‌های خود رسیده‌اید، بقیه وظایف را ما به عهده می گیریم. پس به خانه‌های خود برگردید. وعده‌های ارتش طبیعتاً قابل اعتماد نیست. وقتی ارتش در شرایطی که میلیون‌ها انسان در خیابانند و هر لحظه خطر انفجار وجود دارد حاضر به تسلیم نشد، چگونه ممکن است وقتی آنها از آسیاب ریخت و مردم به خانه‌های خود برگشتند و فضای انقلابی سرد شد ارتش به وعده‌های خود عمل کند و تسلیم خواست مردم شود. قدرت خیابان به بی قدرتی در خانه‌ها بدل می شود. در ایران سپهبد نصیری خائن به هر صورت اعدام شد ولی در اینجا عمر سلیمان که در مصر موجودی به مراتب منفورتر از نصیری در ایران است هنوز بر سر کار باقی مانده است. وی مهره مورد اعتماد اسرائیل و مسئول سرکوب و شکنجه همه مخالفین مبارک بوده است. در همکاری وی با آمریکا همین بس که "تروریست‌های" گوانتانامو را به

مصر می فرستادند تا آقای عمر سلیمان از آنها به نفع آمریکا با حضور مأمورین سیا اعتراف بگیرد زیرا شکنجه دادن در آمریکا قدغن است و به صلاح حقوق بشر نیست.

خوش خیالی و اعتماد بی حد و حصر به ارتش توسط مردم مصر را باید در بی تجربگی سیاسی و در فقدان رهبری با کیاست و متمرکز در جنبش انقلابی مردم مصر دانست. باید در آن دانست که آنها به درستی درک نکرده‌اند، پایان دیکتاتوری فردی حسنی مبارک پایان دیکتاتوری و سلطه طبقه حاکمه و امپریالیسم و صهیونیسم در مصر نیست. آنها هنوز درک نکرده‌اند که تا پیروزی نهائی و شکستن ماشین دولتی باید در خیابان‌ها ماند و مردم را بسیج کرد و سطح آگاهی آنها را افزایش داد و حتی با سازماندهی به فکر تسلیح مردم بر آمد و آماده شد تا قهر ضد انقلابی را با قهر انقلابی پاسخ داد. دقیقاً آن کاری که مردم ایران در روز ۲۲ بهمن انجام دادند و خمینی مخالف آن بود. همه این مشکلات ناشی از فقدان سازمان‌های سیاسی با تجربه و کارآمد و به ویژه حزب طبقه کارگر است که با دانش سیاسی و اجتماعی خویش و با استفاده از تجربه مبارزات انقلابی سایر خلق‌ها دست مانورهای طبقه حاکمه را بخواند و خویش را با طرح شعارهای نادرست و یا عدم تغییر به موقع آنها و ارتقاء آنها به بن بست نکشاند.

در حالی که در آغاز انقلاب در مصر، در سفارت اسرائیل بسته شد و کارگران کانال سوئز به میدان آمدند و کمر ارتجاع حاکم را شکاندند و خط انتقال گاز به اسرائیل را در صحرای سینا منفجر کردند، پس از نخستین پیروزی مردم و عقب نشینی موزیانه و تاکتیکی هیئت حاکمه، سخن از حفظ قرار داد صلح با اسرائیل و به رسمیت شناختن قراردادهای جهانی می رود. به یاد بیاوریم که هرگز پیمان صلحی میان مردم مصر و دولت اسرائیل بسته نشده است. هرگز مجلس منتخب مردم در مصر حتی مجلس‌های فرمایشی مصر به زیر پای این پیمان امضاء نگذاشته است. این پیمان، پیمان انور سادات با مناحم بگین تروریست معروف است. تکیه تبلیغاتی بر پیمانی که هرگز پیمانی نبوده است بخشی از تبلیغات ایدئولوژیک ارتجاع جهانی برای فریب ملت قهرمان مصر است.

انقلاب مصر در حالت برزخ به سر می برد. اقلیتی که دست ارتجاع را خوانده است حاضر نیست میدان آزادی را تا تحقق همه خواست‌های مردم مصر ترک کند. آنها خواهان آنند که با حضور خود در میدان مشعل این مبارزه را روشن نگاه دارند و به مردم مصر هشدار دهند که همیشه ناظر صحنه باشند و به اظهار نظر مردم در میدان توجه کنند. ارتجاع در مصر توانسته است با توجه به واقعیت‌های عینی جامعه مصر و توازن قوای طبقاتی از حالت تدافعی به در آمده و به یک خیز ضد انقلابی دست زد. آنها از ترس و به "موقع" در آستانه اعتصابات کارگران و کارمندان و امکان سرایت اعتصاب به همه عرصه‌های زندگی اقتصادی و اداری، برگ استغای مبارک را رو کردند تا انگیزه اصلی انقلاب تحت‌الشعاع شور و شوق انقلابی قرار گرفته و در فریادهای آن گم شود. ولی هنوز حرف آخر زده نشده است. ارتش هم مجبور است دست به عصا راه رود. آتشفشان انقلاب هنوز می خروشد و ظرفیتش به انتها نرسیده است. انقلاب مردم مصر آن زور و شتابی را ندارد که انقلاب ایران داشت. تعداد جانب‌اختگان انقلاب صدها نفر است و تعداد واقعی آنها را دولت پنهان می کند. هزاران نفر تظاهرکنندگان در زندان‌ها به سر می برند و تکلیف آنها روشن نیست. دستگاه ارتش و سازمان امنیت و پلیس و لباس شخصی‌های شعبان بی مخی هنوز برپا هستند و صدمه‌ای به آنها نخورده است. انقلاب مصر قادر نشده است مانند انقلاب ایران ماشین دولتی هیئت حاکمه را در هم بشکند.

تبلیغات امپریالیست‌ها در مورد فیس بوک نویسان که ماهیت طبقاتیشان هنوز به روشنی معلوم نیست و جایگاه اجتماعی خویش را نیافته‌اند و می توانند مخلوطی از خوب و بد باشند، بیشتر به آن خاطر است که از طریق ابزارهایی که خودشان در دست دارند با امکانات وسیعشان در جنبش تأثیر گذارده و در آن اخلال کنند و افکار عمومی باب طبع خویش را در آن به وجود آورده و یا جنبش را در شرایطی که برای آنها نامناسب است به تفرقه بکشاند. جنبش فیس بوک یک جنبش برای غلبه بر مغزها و ساختن افکار عمومی است. این عرصه نیز عرصه یک مبارزه ایدئولوژیک است. فیس بوک نباید جای سازماندهی حزبی را بگیرد. طبیعتاً فیس بوک‌هایی که از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم طفره می روند و فقط بر ضد حسنی مبارک لشگرکشی می کنند در واقع در همان مسیری سیر می کنند که در سناریوی تنظیم شده از طرف ارتش، جایگاه خاصی برای آنها در نظر گرفته شده است. مسلماً از هم اکنون صدها فیس بوک با نام مستعار که اسرائیلی‌ها با زبان عربی می گردانند برای تأثیر در جنبش مصر به وجود خواهد آمد. تا به بهانه مبارزه علیه اسلام سیاسی و بسیج مردم برای مبارزه با اخوان المسلمین جهت اصلی مبارزه را علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم منحرف کنند.

ولی علیرغم این وضعیت ناپایدار انقلاب مردم مصر دستاوردهای مهمی داشته است. سرنگونی مبارک با ۷۰ میلیارد دلار پول دزدی، یک دستاورد بزرگ مردم مصر است. آنها حال یک زمینه مبارزه افشاء گرانه برای بازپس گرفتن این ثروت‌ها را خواهند داشت که البته هرگز پرداخت نخواهد شد. مگر دزدی‌های شاه بازپرداخت شد

که مال مبارک و یا بن علی پرداخت شود؟ ولی همین مبارزه افشاءگرانه مردم، هیئت حاکمه مصر و ممالک امپریالیستی را به شدت تحت فشار گذارده و اعمال متناقض و ریاکارانه آنها به ارتقاء سطح آگاهی توده‌های مصری منجر می‌شود. آنها می‌بینند که امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بومی با یکدیگر همدستند.

مردم مصر یک زمینه بزرگ مبارزه افشاءگرانه دیگری نیز صاحب شده‌اند. خبرگزاری‌ها اعلام کرده‌اند که دولت مصر در پی غنی‌سازی اورانیوم بوده و این اقدام مورد تائید آمریکا و اسرائیل قرار داشته است. حال با حقوقی که مردم مصر کسب کرده‌اند زمزمه‌های مخالفت امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها با این حق مسلم مردم مصر آغاز شده است. اسرائیل به صراحت نگرانی خویش را از دستیابی مصری‌ها به این فن آوری اعلام کرد و ارتش خویش را در بخش جنوبی اسرائیل تقویت نمود. بزودی ممالک غیر متعهد جهان مجبور می‌شوند جبهه‌آ محکمی در مقابل این زورگویی‌های امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها تشکیل دهند و اسناد ریاکاری امپریالیست‌ها را بر صحنه بریزند. مردم مصر در جریان هفته‌ها مبارزه خیابانی موفق شده‌اند که قسماً آزادی‌های دموکراتیک را به ارتجاع مصر تحمیل کنند. مجلس دست نشانده که مورد حمایت مبارک و همه کشورهای غربی بود منحل اعلام شد، دیوار سانسور شکسته می‌شود. آزادی فعالیت سیاسی و انتخابات آزاد باید تضمین شود. اتحادیه‌های کارگری باید آزادانه به فعالیت بپردازند. مردم مصر قادر خواهند شد حمایت خویش را از مبارزه مردم فلسطین ابراز دارند و خواهان قطع رابطه با اسرائیل و شکستن دیوار نوار غزه گردند. مردم مصر می‌بینند که دنیای غرب که دم از دموکراسی و حقوق بشر می‌زد تا چه حد ریاکار است و از دیکتاتور خون آشامی نظیر مبارک با چنگ و دندان تا به امروز حمایت می‌کرده است. آنها می‌فهمند که حقوق بشر تنها یک ابزار سیاسی ریاکارانه در دست امپریالیست‌ها و صهیونیست‌هاست تا با آن مقاصد شوم خویش را به پیش برند. آنها که رژیم مبارک و سرکوب‌های ضد بشری وی را تائید می‌کردند و برکشتار قومی فلسطینی‌ها صحنه می‌گذارند، نمی‌توانند یک‌شبه دوستان مردم مصر باشند. آنها می‌فهمند که غرب هنوز هم در پی منافع خویش است و می‌خواهد سلطه خود را از راه‌های دیگر ادامه دهد.

امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها خواهان کنترل کانال سوئز و امنیت اسرائیل به عنوان سرپل امپریالیسم در منطقه هستند. این دستاوردها را به سرعت نمی‌توان از مردم مصر باز پس گرفت. این دستاوردها برای نسل کنونی و بعدی مصر باقی می‌ماند. عرصه جدید پیکار مردم تأسیس احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، رفع سانسور، کسب آزادی برقراری نمایشات و اعتصابات و... است. ایجاد یک جبهه برای دموکراسی و تعمیق آن همراه با یک سیاست خارجی مستقل ابزاری برای ادامه انقلاب است. انقلاب مصر ممکن است ناکام شود ولی تأثیراتش در منطقه قابل برگشت نیست. کشورهای عربی بعد از انقلاب تونس و مصر همان کشورهای قبلی نیستند. میلیون‌ها نفر در اردن، یمن، الجزیره به حمایت از مردم مصر و تغییرات اساسی در کشورشان پیا خواسته‌اند. میلیون‌ها نفر سیاسی شده‌اند و به نیروی لایزال خویش پی برده‌اند. میلیون‌ها نفر دانسته‌اند که ما بی‌شماریم و رمز پیروزی را باید در اتحاد نیروهای مترقی و توده‌های خلق بجویند. این تجارب با بحث به وجود نمی‌آید، نتیجه شرکت در روند انقلاب است و به نیروی مادی در جامعه بدل می‌شود و نسل به نسل منتقل می‌گردد. فرار مبارک موجی از همبستگی و جشن و سرور در سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و یمن، بحرین و ایران ایجاد کرد. مردم ایران نیز ضمن ابراز همبستگی و حمایت از انقلاب مردم تونس و مصر روز دوشنبه ۲۵ بهمن در تهران و اصفهان علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند و با فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد و خامنه‌ای حیا کن، مبارکو نگاه کن، چه تهران چه قاهره دیکتاتور باید بره، چه قاهره چه تهران مرگ بر ظالمان، سید علی بیچاره جنبش هنوز بیداره و... ده‌ها شعار دیگر چماقداران و اوباشان پاسدار و بسیجی و لباس شخصی را به چالش گرفتند. سلطه قذافی و سلطان مراکش نیز متزلزل است. عربستان سعودی و امارات باید در روش‌های اعمال دیکتاتوری خویش تجدید نظر کنند. اسرائیل و آمریکا دیگر نمی‌توانند مانند سابق با سیاست قلدرمنشانه و ضد بشری خویش در سرکوب جنبش فلسطین و تکیه به جاسوسی به نام محمود عباس یکه تازی کنند. منطقه خاورمیانه بعد از انقلاب خلق‌های تونس و مصر و جنبش‌های ضد ارتجاعی و ضد استعماری که در دیگر کشورهای منطقه پیا شده است دیگر خاورمیانه سابق نخواهد بود. نسیم آزادی وزیدن گرفت توفان است که بناهای ظلم را خراب می‌کند.

دست امپریالیست‌ها از ایران و منطقه کوتاه باد!

دیگ به دیگ میگه.... سیاه است!

پند محمود به معمر



محمود احمدی نژاد روز چهارشنبه چهارم اسفند بار دیگر به میدان آمد و با ابراز نظری حیرت آور در مورد محکومیت کشتار و فجایع لیبی و سایر کشورهای عربی مورد تمسخر مردم ایران و جهان قرار گرفت. وی که به ترویج خرافات، شعبده بازی، دروغگوئی، لاف زنی و خالی بندی، بازیگری و پرگوئی و آن هم در حالتی که ترس برش داشته و به دلداری دادن خود و یارانش مشغول است با انتقاد شدید به برخورد نیروهای نظامی و امنیتی در لیبی و محکوم کردن رژیم معمر قذافی چنین پند و اندرز داد:

« آنها باید اجازه دهند ملت‌ها اراده خود را اعمال کنند و حق حاکمیت ملی و برخورداری از کرامت را برای مردم خود قائل باشند. انسان‌ها نگاه‌هایشان جهانی شده و نیازمند ارتباطات جهانی هستند. چگونه کسی پیدا می شود که مردم خود را می کشد و بر سرشان بمب می ریزد؟ احمدی نژاد اکیداً توصیه کرده است تا اجازه دهند ملت‌ها بتوانند حرف خودشان را بزنند و با مردم همراهی کنند. چرا باید طوری رفتار کنند که مردم به آنها فشار بیاورند و خواهان اصلاح شوند. اگر در خدمت مردم باشید و به آنها احترام بگذارید و به خواسته‌هایشان توجه کنیم دیگر طوری نمی شود که مردم قیام کنند.»

این توصیه و پند و اندرز از دهان کسی بیرون می خزد که همین چند روز پیش در ۲۵ بهمن، تظاهرات آرام مردم ایران که در همبستگی با مردم تونس و مصر و بحرین و دیگر کشورهای عربی انجام شد، توسط باندهای آدمکش او، سپاه و بسیج و لباس شخصی‌ها مورد یورش وحشیانه قرار گرفت که در اثر آن صدها نفر بازداشت، ده‌ها نفر مجروح و حداقل دو نفر جان باختند. در تظاهرات ۱ اسفند نیز جوانی دیگر از این مرز و بوم در شیراز کشته شد و صدها تن به زندان افتادند. احمدی نژاد که خود را شایسته دریافت جایزه اسکار در ریاکاری و دروغگوئی و لافزنی و مردم فریبی می داند چون کپکی سر در برف فرو کرده و به خیالش کسی او را نمی بیند و یا نمی شناسد که دارو دسته اراندل و اوباش او در، ۲۵ و ۳۰ خرداد ۸۸ با مردم چه کردند. شلیک از بالای بام به سوی تظاهرات میلیونی، تجاوز جنسی به پسران و دختران، شکنجه‌های وحشیانه در کهریزک و اوین، تجاوز و قتل ترانه موسوی و به قتل رساندن صدها نفر به جرم آزادیخواهی و اعتراض به نتیجه انتخابات قلابی از جمله اقدامات فاشیستی و ضد بشری بود که توسط باند مافیائی - امنیتی احمدی نژاد و خامنه‌ای انجام گرفت و هم چنان ادامه دارد. وی از احترام به حقوق مردم سخن می گوید و توصیه می کند که راه مدارا با مردم پیش گیرند، در غیر این صورت مردم دست به طغیان و قیام خواهند زد. وی نیز همانند معمر قذافی که مردم لیبی را فاقد عقل و شعور و آنها را مشتئی معتاد و فریب خورده می داند، مردم ایران را نیز فریب خورده، غرب زده و به عنوان عامل دست اجنبی محسوب می کند و بیرحمانه به سرکوب آنها می پردازد. احمدی نژاد همانند معمر قذافی جنایتکار تنها راه بقا حکومت انگلی‌اش را اعدام در ملاء عام و ایجاد فضای رعب و وحشت و شکنجه و اعتراف گیری بی شرمانه و ضد انسانی می بیند. توصیه محمود به معمر و سایر سران کشورهای دیکتاتوری عربی با این ضرب‌المثل مصداق دارد: **دیگ به دیگ میگه.... سیاه است.**

مرگ بر رژیم فاشیستی معمر قذافی!
مرگ بر رژیم فاشیستی مذهبی جمهوری اسلامی!
زنده باد همبستگی بین‌المللی!

سخن هفته

نقل از فیس بوک توفان

۱۳۸۹ اسفند ۶

توفان شماره ۱۳۲ اسفند ماه ۱۳۸۹

ارگان مرکزی

حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترتسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس اینترنتی: www.toufan.org

آدرس تماس: toufan@toufan.org

از سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب کار ایران (توفان) دیدن کنید!

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahetoufan67.blogspot.com](http://rahetoufan67.blogspot.com)

[/http://www.rahe.toufan.org](http://www.rahe.toufan.org)

<http://www.kargareagah.blogspot.com>

از صفحه فیس بوک و توییتر توفان دیدن کنید
وتازه ترین اخبار و اطلاعات ایران و جهان را
دریافت نمایید!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!